

2003



«بشاعران شورگفتن و مهرها»

دلم خوسخ، دلم دریا ز ناله	براز فریاد و درد سگت ^{ساله}
مخوم بیگانه این ز فرسوخ	برادرت سرف لاله در داله
گجاسه داله؟ افریاد دورانی	بگناه بالو ما به بند بیمان
منم ایران ز غنا بخیر از رخ	که در راه همدادم دل چو جان
خدارا کاسه میدیدم دیگر بار	ترا، از صبر با نند و نندار
فدر بر بید - سید سوزناست	گل افکار من، از یاد هیبار
چیا تو ست، عرازه در کسبت	به مهند جان تو بسیار خالر است
بچه نام قدم بگذار و بار آ	ببیا، مستحق دیدار تو، کم نیست

ایران با قوی «ایران»

آزاده هتاد و پیک: تهران